

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۱/۱۶

موضوع: ادله شهادت ثالثه در اذان (۲)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله ما در جلسه گذشته پیرامون ادله شهادت ثالثه عرض کردیم باید روی سه مطلب کار شود؛ مطلب اول اینکه شعائر و شعار از دیدگاه لغت، شرع و کتاب به چه معناست.

مطلب دوم بحث وجوب حفظ شعائر الله است و مطلب سوم این است که شهادت ثالثه از مصادیق شعائر الله است که يجب حفظها أم لا! شکی نیست که شعائر اسلامی باید حفظ شود. در آیه شریفه:

**(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُجَلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ)**

ای اهل ایمان، حرمت شعائر خدا (مناسک حج) و ماه حرام را نگه دارید و متعرض هدی و قلائد (قربانیان حاجیان چه علامت دار و چه بدون علامت) نشوید.

سوره مائده (۵): آیه ۲

مرحوم آقای طباطبایی در تفسیر **(لَا تُجَلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ)** می نویسد:

«والاحلال هو الإباحة الملازمة لعدم المبالاة بالحرمة والمنزلة»

شعائر الله را بی مبالاتی نکنید که احترام و جایگاه شعائر الله حفظ نشود.

و بعد ایشان می گوید:

«فإحلال شعائر الله عدم احترامها وتركها»

حرمت شعائر خدا را نگاه دارید به معنای «لا تتركوا شعائر الله» است.

«وإحلال الشهر الحرام عدم حفظ حرمة والقتال فيه، وهكذا»

تفسیر المیزان، نویسنده: السید الطباطبائی، ج ۵، ص ۱۶۲، باب کلام فی معنی العقد

بنابراین آیه به صراحت به حفظ شعائر الله و وجوب حفظ شعائر الله دلالت دارد. ما روایاتی از امام صادق سلام الله علیه داریم که عده‌ای معتقدند در مورد کعبه است و بعضی دیگر بر این عقیده هستند که در رابطه با مسئله حج است.

طبق تعبیری که داشتیم (وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ) به مناسک حج اشاره دارد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»

پیوسته دین قائم و برجا است مادامی که کعبه سر پا می‌باشد.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۴،

ص ۲۷۱، ج ۴

به بیان بهتر یکی از عوامل برپایی دین اسلام مراسم حج است. همچنین روایت دیگری از امام صادق وارد شده است که حضرت می‌فرماید:

«لَوْ تَرَكَ النَّاسُ الْحَجَّ، لَمَا نُظِرُوا الْعَذَابَ»

اگر مردم حج را ترک کنند، خداوند عذاب را بر آنها نازل می‌کند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۴،

ص ۲۷۱، ح ۱

همچنین روایتی از امام باقر سلام الله علیه نقل شده است که راوی «حنان بن سدير» می‌گوید: با امام صادق در رابطه با حج صحبت کردیم. حضرت فرمود:

«لَوْ عَطَّلُوهُ سَنَةً وَاجِدَةً لَمْ يَنْظُرُوا»

اگر مسلمانان یک سال حج را ترک کنند خداوند عذابش را نازل می‌کند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۴،

ص ۲۷۱، ح ۲

روایت بعد هم از امام صادق سلام الله علیه است که فرمودند:

«إِنَّ النَّاسَ لَوْ تَرَكَوا حَجَّ هَذَا الْبَيْتِ لَنَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ وَ مَا نُؤْظَرُوا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۶،

ص ۱۹، ح ۶۹

ما امثال این روایات زیاد داریم؛ شاید بیش از چهل روایت داریم با این مضمون که اگر بحث حج که یکی از شعائر الله شمرده شده است ترک شود، خداوند عالم عذابش را نازل می‌کند.

نکته دوم این است که در روایات داریم اگر مسلمانان در اثر بی‌مبالاتی یا عدم تمکین مالی حج را ترک کنند بر حاکم اسلامی واجب هست از بیت المال افرادی را برای رفتن به زیارت خانه خدا مجهز کند.

در روایت دیگر وارد شده است که «معاویة بن عمار» و «هشام بن سالم» و دیگران از امام صادق سلام الله علیه نقل کردند که حضرت می‌فرماید:

«لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكَوا الْحَجَّ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمُقَامِ عِنْدَهُ»

اگر مردم حج را ترک کنند بر حاکم اسلامی لازم است که مردم را مجبور به رفتن حج کند تا در آنجا اقامت گزینند و مراسم را به جا آورند.

«وَلَوْ تَرَكَوا زِيَارَةَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله) لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمُقَامِ عِنْدَهُ»

اگر مردم زیارت پیغمبر اکرم را ترک کنند بر حاکم اسلامی لازم است که مردم را مجبور به رفتن به زیارت کند تا در آنجا اقامت گزینند.

«فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ أَمْوَالٌ أَنْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ»

اگر مردم برای رفتن به حج تمکن مالی نداشته باشند و حج ترک شود، بر حاکم اسلامی واجب است از بیت المال مسلمین اموالی را در اختیار تعدادی از مسلمانان قرار بدهد تا به زیارت خانه خدا بروند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۴،

ص ۲۷۲، ح ۱

بنابراین نکته اول این است که اگر مردم حج را ترک کنند، متعاقباً عذاب الهی نازل می‌شود. نکته دوم این است که اگر مردم حج را ترک کنند حاکم اسلامی باید مردم را به رفتن مجبور کند و در صورت عدم تمکن مالی از بیت المال افراد را تجهیز کند.

نکته سوم این است که «عینی» یکی از بزرگان اهل سنت صاحب کتاب «عمدة القاری» می‌نویسد:

«إِنْ أَهْلُ بَلَدَةٍ أَوْ قَرْيَةٍ إِذَا اجْتَمَعُوا عَلَىٰ تَرْكِ الْأَذَانِ، فَإِنَّ الْإِمَامَ يُقَاتِلُهُمْ وَكَذَلِكَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ شَعَائِرِ الْإِسْلَامِ»

اگر اهل یک شهر یا روستایی بر ترک اذان اجتماع کنند، امام می‌تواند با آنها اعلام جهاد کند. اگر اهل یک شهر یا روستایی بر ترک دیگر شعائر اسلام اجتماع کنند، امام می‌تواند با آنها اعلام جهاد کند.

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۱، ص ۱۸۲، ح ۲۵

نکته چهارم این است که در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است هنگامی که نبی گرامی اسلام می‌خواست به منطقه‌ای حمله کند، اما نمی‌دانست اهل آن منطقه مسلمان هستند یا نیستند حضرت تا وقت اذان صبح صبر می‌کردند. اگر وقت طلوع فجر صدای اذان از آن منطقه بلند می‌شد حضرت از دستور حمله به آن منطقه خودداری می‌کرد.

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا غَزَا قَوْمًا لَمْ يَغْزِ حَتَّىٰ يَضِيحَ»

زمانی که پیغمبر اکرم می‌خواستند به منطقه‌ای حمله کنند، دستور حمله نمی‌دادند تا زمان صبح فرارسد.

«فَإِنْ سَمِعَ أَذَانًا أَمْسَكَ»

اگر از این منطقه صدای اذان به گوش می‌رسید، پیغمبر اکرم از دستور حمله به آن منطقه خودداری می‌کرد.

«وَإِنْ لَمْ يَسْمَعْ أَذَانًا أَغَارَ بَعْدَ مَا يَضِيحُ»

اگر صدای اذان شنیده نمی‌شد، دستور حمله صادر می‌شد.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص ١٠٧٧، ح ٢٧٨٤

همچنین روایت دیگری از «أنس بن مالك» وارد شده است که می‌گوید:

«كان إذا غزا بنا قومًا لم يكن يغزو بنا حتى يضحى و ينظر فإن سمع أذانًا كف عنهم وإن لم يسمع أذانًا أغار عليهم»

هرگاه حضرت برای جنگ با قبیله‌ای می‌رفتند، دستور حمله نمی‌دادند تا صبح شود و نگاه می‌کردند. اگر اذان از این منطقه شنیده می‌شد حضرت دستور حمله نمی‌داد، اما اگر شنیده نمی‌شد دستور حمله می‌دادند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص ٢٢١، باب ٦، ح ٥٨٥

عنوان باب این روایت عبارت است از:

«بَاب مَا يَحَقُّ بِالْأَذَانِ مِنَ الدَّمَاءِ»

اذان از هرگونه خونریزی و قتل محافظت می‌کند.

بسیار مهم است. با توجه به آیه شریفه و این پنج دسته روایاتی که خوانده شد، چنین استفاده می‌شود که حفظ شعائر اسلامی نه تنها لازم و واجب است، بلکه شعائر اسلامی از مواردی است که از خونریزی جلوگیری می‌کند.

بیش از این مطالب نیازی نیست و همین چند مطلب کافی است. حال به بخش سوم می‌رسیم. دیروز هم اشاره داشتیم که آیا شهادت ثالثه از شعائر دینی و مذهبی هست، یا خیر.

عبارات «مرحوم خوئی» و «شیخ جواد تبریزی» را خواندیم مبنی بر اینکه این بزرگواران می‌نویسند: امروز شهادت ثالثه یکی از شعائر بزرگ شیعه و از بارزترین رموز تشیع است و ترک آن جایز نیست.

و به فتوای «شیخ جواد تبریزی» حفظ این شعار واجب هست. همچنین فتوای «مرحوم خوئی» در این زمینه چنین است:

«فهی إذا أمر مرغوب فيه شرعاً و راجح قطعاً فی الأذان و غیره»

این امر، امری است مورد تأیید شرعی و در اذان یا غیر اذان راجح است.

کتاب الصلاة، نویسنده: السید الخوئی، ج ۲، ص ۲۸۷، پ ۱

روایتی از امام رضا (علیه السلام) وارد شده است که حضرت می‌فرماید:

«رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا»

خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را احیا کند.

«فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يَحْيِي أَمْرَكُم»

سؤال شد: چگونه بنده‌ای می‌تواند امر شما را احیا کند؟

«قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يَعْلَمُهَا النَّاسُ»

حضرت فرمود: علوم ما را یاد بگیرد و به مردم هم یاد بدهد.

## «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»

اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را درک کنند، قطعاً از ما تبعیت می‌کنند.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج

۱، ص ۳۰۷، ح ۶۹

بنابراین یکی از اموری که در اینجا می‌توانیم استدلال کنیم شهادت ثالثه شهادت بر ولایت امیرالمؤمنین لازم هست، بودن شهادت ثالثه از اوامر اهل بیت (علیهم السلام) است.

اجرای اوامر اهل بیت مرضی اهل بیت (علیهم السلام) است. بنابراین شهادت ثالثه از مصادیق شعائر اسلامی است.

بنده در اینجا می‌خواهم بحثی را تذکر دهم که این بحث یکی از بحث‌های کلیدی است. ما در بسیاری از موارد از این بحث استفاده می‌کنیم. اختلاف نظر وجود دارد که آیا این مسئله یکی از شعائر مذهبی است، یا شعائر دینی است.

به عنوان مثال آقایان معتقدند اذان از شعائر مذهبی است، قضیه اسدال در نماز از شعائر مذهبی است، به این صورت وضو گرفتن یکی از شعائر مذهبی است و شعائر دینی نیست.

به نظر بنده چنین تفکری اشتباه است. اگر ما به این شکل مرزبندی کنیم که فلان چیز شعائر دینی است و فلان چیز شعائر مذهبی است کاملاً اشتباه است. چون به تعبیر یکی از اعظام، مذهب تشیع با دین دو روی یک سکه است. به بیان بهتر یک طرف یک سکه اسلام و طرف دیگر آن مذهب تشیع است. روزی که اسلام متولد شد، تشیع هم متولد شد. روزی که پیغمبر اکرم اسلام را معرفی کرد، در همان روز تشیع را هم معرفی کرد.

در اولین روز اعلان رسالت، پیغمبر اکرم بعد از نزول آیه شریفه:



## (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ)

خویشاوندان نزدیکت را انذار کن.

سوره شعراء (۲۶): آیه ۲۱۴

سه مسئله اساسی را مطرح می‌فرماید. اولین مسئله توحید، دومین مسئله رسالت خویش و سومین مسئله امامت امیرالمؤمنین سلام الله علیه است که اساس مذهب تشیع است.

«هَذَا أُخِي وَ وَصِي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ»

تفسیر فرات الکوفی، نویسنده: کوفی، فرات بن ابراهیم، محقق / مصحح: کاظم، محمد، ص ۳۰۲، ح

۴۰۵

همچنین روایات متعددی در این زمینه وجود دارد. یکی از دوستان کتابی در زمینه «تشیع از زبان پیغمبر اکرم» نوشته است. ایشان در این کتاب ۴۱ یا ۴۲ روایت از منابع متعدد اهل سنت آورده است مبنی بر اینکه کلمه تشیع و شیعه علی در زبان نبی اکرم صلی الله علیه و آله صادر شده است.

عده‌ای معتقدند کلمه تشیع بعد از قتل عثمان تأسیس شد، «عبدالله بن سبأ» مذهب تشیع را تأسیس کرد! تأسیس کلمه تشیع بعد از شهادت امام حسین یا بعد از جنگ جمل بوده است.

این ادعاها حرف‌های بی‌اساس است که یک سری افراد می‌خواهند عقده خودشان را نسبت به شیعه ابراز کنند. بنده به حول قوه الهی یک مورد از این روایات را عرض می‌کنم و مابقی را ان شاءالله برای جلسه بعد می‌گذارم. «ابن عساکر» از «جابر بن عبدالله انصاری» نقل می‌کند و می‌گوید:

«كنا عند النبي فأقبل علي بن أبي طالب»

نزد پیغمبر اکرم بودیم که علی بن ابی طالب وارد شد.

**«فقال النبي قد أتاكم أخي»**

پیغمبر اکرم فرمود: برادر من وارد شد.

**«ثم التفت إلى الكعبة فضرى بها بيده»**

رسول الله به طرف مکه توجه کرد، روی کعبه دست گذاشت و فرمود:

**«والذي نفسي بيده إن هذا وشيعته لهم الفائزون يوم القيامة»**

قسم به خدایی که جان من در دست اوست، علی بن ابی طالب و شیعه او جزء رستگاران روز قیامت هستند.

**«ثم قال إنه أولكم إيماناً معي و أوفاكم بعهد الله»**

او اولین کسی است که با من ایمان آورده است و باوفاترین شما نسبت به عهد خداست.

**«وأقومكم بأمر الله»**

و محکم‌ترین و مقاوم‌ترین شما نسبت به اوامر الهی است.

**«وأعدلکم فی الرعیة»**

و عادل‌ترین شما در میان مردم است.

**«وأقسمکم بالسویة»**

و نسبت به تقسیم بیت المال از همه شما عادل‌تر است.

«و أعظمكم عند الله منزلة»

بلند مرتبه‌ترین شما در نزد خدا از نظر مزیت است.

«ونزلت (إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية)»

در همین زمان آیه (إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية) نازل شد.

«فكان أصحاب محمد إذا أقبل على قالوا قد جاء خير البرية»

از آن پس هرگاه علی بن ابی طالب وارد می‌شد اصحاب می‌گفتند: بهترین انسان‌ها آمد.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضل‌ها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن

الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین

أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۲، ص ۳۷۱، باب آخر الجزء الثالث والخمسين بعد الثلاثمائة من

الأصل

این روایت همچنین در کتاب «شواهد التنزیل» اثر «حسکانی» جلد ۲ صفحه ۴۶۸ وارد شده است. «حسکانی»

در ابتدای کتاب «تفسیر» خود می‌نویسد: من در این تفسیر روایاتی را انتخاب کردم که معتقد به صحت آن

هستم.

این روایت همچنین در کتابهای «مناقب خوارزمی» صفحه ۱۱۱ حدیث ۱۲۰ و صفحه ۲۶۵ حدیث ۲۴۷ و «الدر

المنثور» جلد ۶ صفحه ۳۷۹ و «فتح القدر» جلد ۵ صفحه ۴۷۷ نقل شده است. راوی این روایت «جابر بن

عبدالله» بوده. همین روایت از «ابو سعید خدری» به نقل از «أم سلمه» در کتاب «تاریخ دمشق» جلد ۴۲ صفحه

۳۳۳ نقل شده است.

«ابن جوزی» در کتاب «تذکرة الخواص» صفحه ۵۹ ، «بلاذری» در «أنساب الأشراف» صفحه ۱۸۲ ، صنعانی - که یکی از بزرگان اهل سنت و مورد قبول وهابیت است - در «مناقب امیرالمؤمنین» جلد ۲ صفحه ۲۸۴ حدیث ۷۴۹ و «طبری» در کتاب «تفسیر طبری» جلد ۳۰ صفحه ۳۳۵ این روایت را نقل کرده اند.

«این تیمیه» می‌گوید: «تفسیر طبری» یکی از تفاسیری است که در آن جعلیات و روایات ضعیف وجود ندارد. احادیثی که «طبری» در «تفسیر قرآن» آورده است از آن قبیل احادیثی است که «یعتمد علیه» می‌توان در نقل حدیث به آن اعتماد کرد.

منهاج السنه ، ج ۷ ، ص ۱۷۹

آقای «آلوسی وهابی» در کتاب «روح المعانی» جلد ۳۰ صفحه ۲۰۷ این روایت را آورده است. «سیوطی» از «ابن عباس» نقل می‌کند که وقتی آیه شریفه:

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ)

نازل شد، حضرت به علی بن ابی طالب فرمودند:

«هو أنت وشيعتك يوم القيامة راضين مرضيين»

یا علی! فردای قیامت تو و شیعیانت از خداوند راضی هستید و خدا هم از شما راضی است.

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر - بيروت -

۱۹۹۳، ج ۸، ص ۵۸۹، باب البينة: (۱ - ۷) لم يكن الذين ... ..

این روایت همچنین در کتابهای «الصواعق المحرقة» اثر «ابن حجر هیتمی» صفحه ۱۶۱، «نظم درر السمطين» صفحه ۹۲ آمده است. - کتاب «فرائد السمطين» اثر آقای «جوینی» استاد «ذهبی» است که درباره اش می‌گوید: الامام الاوحد.

این روایت همچنین در کتاب «فصول المهمه» اثر «ابن صباغ مالکی» صفحه ۱۰۵ و کتاب «روح المعانی» اثر «آلوسی» جلد ۳۰ صفحه ۲۰۷ وارد شده است.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته